



## جهان را عقل اداره می‌کند / حکمت و جهان‌بینی توحیدی رمز نجات بشر است

آیت‌الله العظمی جوادی آملی با بیان اینکه مهم‌ترین عاملی که می‌تواند بشر را نجات دهد، حکمت و جهان‌بینی توحیدی است، گفت: جایی که خرد و توفیق الهی نباشد، چیزی جز کور وجود ندارد.

ایسنا/اصفهان آیت‌الله العظمی جوادی آملی با بیان اینکه مهم‌ترین عاملی که می‌تواند بشر را نجات دهد، حکمت و جهان‌بینی توحیدی است، گفت: جایی که خرد و توفیق الهی نباشد، چیزی جز کور وجود ندارد.

به گزارش ایسنا، آیت‌الله العظمی جوادی آملی، مرجع تقلید، فیلسوف و مفسر قرآن کریم در پیامی تصویری که به مناسبت روز جهانی فلسفه و برگزاری همایش «آموزش فلسفه در ایران بر پایه متون کلاسیک» که امروز، هشتم آذرماه در دانشگاه اصفهان آغاز شد، گفت: جهان همواره نه توسط ماده، بلکه به دست عقل اداره می‌شود. انسان در زمانه ما به جایی رسیده که به خیال خود: «به زیر آورد چرخ نیلوفری را». قرآن از بشر می‌پرسد: چرا در آسمان و زمین و کوه، اندیشه نمی‌کنی؟ با وجود اینکه انسان امروز مجهز به انواع فضاپیماها و ماهواره‌ها است که مسیر سفر به فضا را هموار می‌کند. اما باوجود این‌ها، قرآن کریم آنها را کور می‌داند. در واقع آدمی آن‌نگاهی ندارد که قرآن انتظارش را دارد. برای مثال، «زمان» را می‌بیند، اما «زمانه» آفریننده زمان و زمین را نمی‌بیند.

این مرجع تقلید شیعه در ادامه اضافه کرد: در سوره طه آمده است: «وَوَحَّشْنَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»؛ یعنی در قیامت کور محشور می‌کنیم، هر کسی را که موحدانه زندگی نمی‌کند. بعد چنین آدمی به زبان می‌آید که «قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا»، یعنی خدایا، من در دنیا بینا بودم، چرا اکنون کور هستم؟ خداوند هم پاسخ می‌دهد: «كَذَلِكَ»؛ هر طور بودید در دنیا، بدون دخل و تصرف، شما را محشور کردیم. در واقع چنین آدمی به ماهواره بر و تجهیزات پیشرفته هوافضا دست یافت و خودش را هم به فضا رساند، اما آنچه را که باید ندید.

این فیلسوف و متفکر جهان اسلام تصریح کرد: جایی که خرد و توفیق الهی نباشد، چیزی جز کور وجود ندارد. در روزگار قدیم، کوری به اسم فرعون داشتیم. «يُدِّيحُونَ أَبْتَاءَكُم». اما در عصر کنونی چندین کور پیدا می‌شود. «يُدِّيحُونَ أَبْتَاءًا»، «يُدِّيحُونَ بَنَاتًا». «يَقْتُلُونَ آبَاءًا»، «يَقْتُلُونَ أُمَّهَاتًا». فرعون فقط پسرپرچه‌ها را به قتل می‌رساند. اما در دنیای امروز ما فراغنه بسیاری هستند که پسر، دختر و مادر و پدر همه را از میان می‌برند. منشأ این اتفاق چیزی جز کوری بشر نیست. مهم‌ترین عاملی که می‌تواند بشر را نجات دهد، حکمت و جهان‌بینی توحیدی است.

آیت‌الله جوادی آملی ادامه داد: این مردمان کور فکر نمی‌کنند که مثل یک درخت که با مرگ به هیزم بدل می‌شود، یا مثل پرندۀ ای است که بعد از مرگ از قفس رهایی می‌یابند. مثال آن غزه است که بیش از ۴۰ روز است که اسرائیل دارد در آن کودک‌کشی می‌کند. بنابراین، اینها به گفته قرآن واقعاً کورند و به زندگی بعد از مرگ فکر نمی‌کنند. بنا بر حکمت و فلسفه، انسان باید بداند که موجودی ابدی است. انسان ابدی است و باید از فکری جاویدان هم برخوردار باشد. پرچمداران این اندیشه رسولان هستند و بعد شاگردان آنها که علما محسوب می‌شوند. برخی در پی آبادی دنیا هستند و برخی برای رسیدن به آخرت برای آبادی می‌کوشند. حکیمان دنیا و آخرت را با هم آباد می‌کنند.

این مفسر قرآن کریم تصریح کرد: خدمت‌های فرهنگی برخاسته از دیار اصفهان نمونه مهمی است که اهمیت آبادی آخرت را در بین این مردم بازتاب می‌دهد؛ هم خود مردم اصفهان و هم بزرگانگی که در اصفهان درس خوانده‌اند. مرحوم فاضل تونی در حوزه علمیه صدر اصفهان درس خواند. شخص دیگر حکیم الهی قمشه ای است. ان شاءالله دیار و فرزندانش شما مردم اصفهان در پناه قرآن باشد.

این مرجع تقلید به بیان بخشی از خاطرات دوران تحصیل خود پرداخت و افزود: ما در سال ۱۳۲۹ شمسی از آمل به تهران و مدرسه مروی عزیمت کردیم. خدمت آیت‌الله آملی درس می‌خواندیم. ایشان همشهری ما بود و پدر هم ما را به او سپرده بود و بیش از دیگران با او مأنوس بودیم. من برای توفیق و خداحافظی در شهریور ۱۳۳۴ شمسی به محضر او رفتم. وی گفت که قم حرم حضرت معصومه(س) و مرکزیت مهم فرهنگی شیعه محسوب می‌شود. به غیر از فاطمه معصومه(س)، عالمان و مراجع بسیاری در کنار او آرام گرفته‌اند. به ما تأکید کردند که بحث در کنار قبور علما برکت دارد؛ چنان که شاگردان ارسطو برای فیض بیشتر می‌آمدند در جوار قبر استاد درس و بحث را برگزار می‌کردند تا فیض ببرند. این حرف را مرحوم آملی می‌زد که از وی در مقام برترین مجتهدین یاد می‌کردند.

این عرفان‌پژوه و فیلسوف دان در خصوص صحبت‌های استادش و درس خواندن در جوار آرامگاه بزرگان، بحث خود را چنین پی‌گرفت: به استادمان می‌گفتم شما از کجا این مطلب را نقل می‌کنید؟ ما نشنیده بودیم که شاگردان ارسطو در کنار قبر او به درس و تفکر می‌پرداختند. اما استادمان به ما گفته بود که انسانی والا مقام بود. ما در برابر حرف استاد تسلیم شدیم، اما همواره در گوشه‌ای از ذهن ما بود. ما در آن روزگار «قبسات» میرداماد را که قلمش سنگین است، داشتیم. اما چاپ جدید و باکیفیتش نبود. بنابراین، هرگاه مرحوم صدرالمآلهین بحثی را مطرح می‌کرد، ما به آن مراجعه می‌کردیم. ولی کتاب بالینی ما نبود که همواره با آن انس داشته باشیم.

آیت‌الله العظمی جوادی آملی در ادامه بحث «قبسات» و «میرداماد» توضیح داد: بر خلاف نسخه قدیمی «قبسات»، چاپ

جدیدش به اثری بالینی برای ما تبدیل شد. میرداماد از بزرگان حکمت بود که در این زمینه حرفی برای گفتن داشت. از ابتدا آن را خواندیم. وقتی به قسمت های پایانی رسیدیم، دیدیم در آنجا مرحوم میرداماد می گوید، مرده ها زنده اند و قبورشان و حضور در جوارشان متبرک است. از این رو، شاگردان ارسطو در کنار قبر او درس و مباحثه را برگزار می کردند با این امید که مسائل درسی دشوارشان، آسان شود. این یک روایت تاریخی است؛ ربطی به فلسفه ندارد. میرداماد این مطلب را از فخر رازی نقل می کند، در حالی که برخلاف انتظارات چند روایتی، با تفکر رازی مناسبتی ندارد. این مفسر قرآن کریم در پایان سخنانش و برای ذکر مرجع دقیق تر این روایت به صفحه ۴۵۶ «قیسات» اشاره کرد و جان کلامشان این بود که حضور یافتن در جوار قبور بزرگان به گشایش های علمی و رفع مشکلات منجر می شود.